



نشریه هما

سال اول، شماره چهارم / شماره مجوز: ۱۴۰۰۱۹۸۳



دو سال با کرونا



نشریه هُما

سال اول، شماره چهارم / شماره مجوز: ۱۴۰۰۱۹۸۳
زمینه انتشار: اجتماع، سیاست، اقتصادی، ادبی

شناختنامه:

صاحب امتیاز: فرزاد صفای

مدیر مسئول و سردبیر:

فرزاد صفای

هیئت تحریریه:

فرزاد صفای، رضایزدان پناه،

فاطمه غنچه پور، محمد جوادی

طراح لوگو و هویت بصری: علی طاهری زاده

فهرست:

- ۳ سخن سردبیر
- ۴ تاثیرات کرونا بر کسب و کارها
- ۵ کرونا
- ۶ حسنعلی خان مستوفی و واکسن کرونا
- ۷ اشتباه نگیریم!
- ۸ معرفی کتاب قلعه مالویل

برای دسترسی به شماره های منتشر شده نشریه هما کد زیر اسکن کنید



📍 @homa_fum_1400

شما می توانید نشریه هما را در اینستاگرام و تلگرام دنبال کنید



فرزاد صفایی / کارشناسی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

سخن سردبیر

لازم می بینم که در ابتدای این شماره از تمام مخاطبین نشریه ی هما بابت تاخیر پیش آمده در انتشار این نسخه از نشریه طلب پوزش داشته باشم، شخصاً پیش بینی هر موضوعی که منجر به تاخیر و حتی عدم انتشار نشریه شود را کرده اما هیچکدام از پیش بینی ها مربوط به مورد هجوم قرار گرفتن همزمان نیمی از تیم تحریریه توسط ویروس کرونا نبود. علی ای الحال عذرخواهی حتی به دلیل اتفاقات غیرقابل پیش بینی امری پسندیده و تمرینی خوب برای دوری جستن از غرور و تکبر می باشد و امیدوارم که در این راه لطف شما عزیزان شامل حال ما شود.

شماره چهارم نشریه تقریباً مقارن با دوسالگی شیوع ویروس کرونا در ایران بود. این ویروس اگر چه جهش هایی فراوانی در این مدت به خود دیده اما رفتار، رشد و نمو آن تماماً به مانند یک کودک می باشد. با کمی تأمل پی می بریم که همانند یک کودک در ابتدا بذر نطفه ای در نقطه ای از این جهان ریخته شد، در سکوت و بی خبری حامل آن در ابتدا رشد کرد و زمانی حامل خبردار از وجود آن شد که شروع به لگد زدن نمود، اگر چه که در این مرحله کسی از قدرت آن با خبر نبود. پس از مدتی این نطفه به شمایل یک کودک پا به این جهان گذاشت و با اولین گریه خود را به جهانیان شناساند و در ادامه جهانیان را بشارت به یک معضل بسیار بزرگ داد، اگر چه که در این مرحله اقداماتی شدید برای آرام کردن آن انجام شد اما افاقه ای نکرد و این کودک به آرامی شروع به رشد کرد. در این راه تغییراتی هم در خلق و خوی آن شاهد بودیم، گاه خیلی خشن دندان نشان می داد و می جنگید، گاه هم آرام بود. علی ای الحال این کودک پس از سینه خیز حرکت کردن و تاتی تاتی کردن هم اکنون توان ایستادن بر روی دو پای خود را به تنهایی دارد و به سرعت می تواند کل جهان را درنوردد، حتی اگر جهانیان باز هم مقاومت

کنند. از نگاه شخصی زمین پس این ویروس جزئی از زندگی ما خواهد بود و باید به بودن و زندگی کردن با آن عادت کنیم، در واقع دیگر خطر اصلی زیست آن در بین ما نبوده بلکه خطر اصلی آن است که هدف، مهار و تربیت صحیح این کودک نباشد که بلکه نا اهلان راه تربیت و کنترل این کودک را بنا به میل خود پیدا کرده و او را برای مقاصد ناپسند خود بکار گیرند. مانند اختراعی که جنبه ی منفی آن بکار گرفته شود و به عنوان سلاحی بیولوژیک استفاده شود که بتواند مخالفان را بدون قوه ی زور از بین ببرد، اقتصادها را زمین بزند، سرنوشت جنگ ها را عوض کند، دموکراسی را قربانی کند، روحیه ی سرکشی انسان را مهار و او را مطیع کند، نظم جهان را تغییر و فرمانروایان بی تاج جدیدی را بر جهان حکمفرما کند. کمی با خود تأمل کنید که شاید این حجم از مصائب تنها ناشی از تولد پدیده ای باشد که شاید نمونه ی اولیه ی مخلوق اصلی باشد. علی ای الحال تا اطلاع ثانوی بایستی به جهش های گوناگون آن عادت کنیم چرا که ابر شرکت های داروسازی جهان این حجم از سرمایه گذاری را بازاری دو یا سه ساله انجام نداده اند.

کلام آخر

پس از مدت ها تحقیق و تأمل در باب اثرات این ویروس در ایران، پی به آن بردم که حجم خرابی این ویروس در حوزه ی سلامت روانی ده ها برابر ضرر آن در حوزه ی اقتصادی کشور بود. چرا که این ویروس اثرات مخربی بر روح و روان افراد جامعه که پایه اصلی توسعه ی کشور هستند گذاشت. لازم است که نه تنها تحقیقات جامعه ی در این حوزه در باب اثرات مخرب آن بر توسعه ی کشور انجام شود که سیاست های جامع و سرمایه گذاری های سنگینی در این حوزه انجام شود.

ف-صاد



تأثیرات کرونا بر کسب و کارها

رضا یزدان پناه / ارشد منابع انسانی استراتژیک



ضربه سنگینی را شاهد بود. از جمله موارد دیگر می توان به کسب و کارهای خرد اشاره کرد که متاستفانه قدرت فضا های مجازی و حوزه های اینترنتی را نادیده گرفته بودند و به آن وارد نشدند که همین امر باعث ضرر های سنگین به دلیل ایجاد قرنطینه های طولانی مدت برای آنها شد. در نهایت می توانیم از فعالیت های فرهنگی و در کنار آن حوزه حمل و نقل اشاره کنیم که از این اتفاقات کم ضرر ندیدند. اما مشکل بسیار حساس در این برهه، این بود که بخش زیادی از طبقات و دهک های پایین جامعه، دقیقاً در این حوزه ها در حال فعالیت بودند و این مسئله می توانست با ادامه پیدا کردن، به یک فاجعه سیاسی نیز تبدیل شود. چرا که در این مدت شاهد خبر هایی از خود کشی های متعدد در این طبقه بودیم که خود نیازمند مطالعه و پایش جدی در حوزه جامعه شناسی و روان شناسی می باشد. این کار برای این لازم است که اقلکن در صورت رخ دادن چنین مسائلی راهکار های لازم برای حداقل کردن این موارد را در دست داشته باشیم. با وجود این سیاهی ها که گفته شد بد نیست تا به سراغ فعالیت های برویم که نه تنها ضرر نکردند که توانستند به سود آوری بالا تر از میانگین آن کسب و کار هم برسند. نکته مهم این است که بیشتر کسب و کار هایی که رشد قابل توجهی را داشتند، در زمینه دلیوری و تحویل کالا به فعالیت می پرداختند. چه این مسئله در زمینه های فرهنگی مانند رسانه های اینترنتی باشد چه محصولات فیزیکی... رشد در این حوزه ها متکی به انجام فعالیت هایی در زمینه دیجیتال مارکتینگ و کسب و کار های اینترنتی بود. شاید بد نباشد که این پاندمی را برای بسیاری از کسب و کارها به عنوان یک توفیق اجباری بدانیم که رونق بیشتر خرید های اینترنتی و ایجاد فرهنگ آن را در سازمان ها ایجاد کرد. فعالیت هایی که با تحقیق و توسعه ای که در سازمان ها وجود دارد باید گسترش بیشتری نیز پیدا کنند. مسئله ای که شاید در زمان معمول باید چندین و چند سال به طول می انجامید، در مواردی در کمتر از چند ماه به شکوفایی رسید.

همین الانی که دارید این نوشته را می خوانید، زمان زیادی تا دو ساله شدن کرونا در ایران باقی نمانده است. با گذشت این زمان کسالت آور که بسیاری از افراد آن را جز سن خود به حساب نمی آورند و الانی که واکنس ها به شکل گسترده زده شده است و به گفته متخصصان سال ۲۰۲۲ پایان پاندمی در جهان خواهد بود بد نیست که یک نگاه به عقب بیندازیم و ببینیم که این ویروس با ما چه کرد و خروجی این اتفاقات در نهایت چه بود. البته که لازم است در همین ابتدا بدانید در این مطلب قرار نیست در مورد جان های تمام شده و نفس های به آخر رسیده صحبت به میان آوریم که خود مجال دیگری می طلبد و قلمی قوی تر برای بیان آن مصیبت ها و فاجعه ها که خود شاهدش بودیم و لمسش کردیم. در این چند خط پیش رو می خواهیم در مورد تاثیر کرونا بر کسب و کارها به همراه خوبی ها و بدی هایش چند کلمه ای سخن بگوییم از کسب و کارهایی که با سالها زحمت چنان به خاک سیاه نشستند که حتی دیگر اثری از آنها باقی نیست تا فعالیت های استارتاپی و حوزه های کسب و کار اینترنتی که ره صد ساله را در چند ماه طی کردند. در اکوسیستم های تجاری و کسب و کارها در مورد متغیر های کلان بیرونی اثر گذار بر فعالیت های تجاری، این مورد در نظر گرفته نشده بود. مسئله ای چون بیماری واگیر دار که به یک باره بروز پیدا می کند، به سرعت انتشار می یابد و همه را در شوک ناگهانی فرو می برد. چیزی که شاید به خواب بد بین ترین افراد در این زمینه هم نمی آمد. بیماری که همراه خود قرنطینه هایی در اندازه جهانی به همراه داشت. در ابتدا بیاید در مورد خسارت ها صحبت کنیم. طبق گزارش های میدانی و تحلیل های آماری دقیقی که صورت گرفته است، از جمله مهم ترین کسب و کارها که بیشترین ضرر را در این مدت ۲ ساله متحمل شدند فعالین حوزه گردشگری بودند نکته ای که وجود دارد این است که چند سالی بود که در این حوزه فعالیت هایی مربوط به بوم گردی در حال رشد بود که بسیار هم، بخش سود آور و پر رونقی شده بود که با ایجاد این مسئله شاید بتوانیم بگوییم به شدت



فاطمه غنچه پور / جامعه شناسی دانشگاه فردوسی

کرونا

ادامه می داد.

هرچند که اصلا دوس ندارم دوباره خاطرات یاد آوری شود. اما با نمره هایی نه چندان جالب و حرف های شاخ در آر بعضی اساتید که لطف بسیاری داشتند، آن ترم گذشت. شروع ترم جدید و البته آخر و همان آس و همان کاسه.

روزها به سرعت می گذشت. عدم حضور به موقع در کلاس ها و نبود زمان برای انجام تکالیف و در آخر ضربه نهایی و قطع شدن اینترنت هنگام امتحانات آخر ترم بسیار دردسر ساز شد که در نهایت با حذف ترم بماند که با چه سختی بود به پایان رسید.

باید جبران میشد. آخرین ترم از مهر شروع شد با هدف جبران سعی داشتیم در کلاس ها حضور موثر داشته باشیم اما ۱۲ ساعت کار یکسره ، نبود شرایط مناسب برای حضور در کلاس ها و همان مشکلات همیشگی این بار هم گریبان گیر شد.

اوضاع هیچ تغییری نکرد.

امتحانات به پایان رسید و با اینکه هیچ آمیدی ندارم اما منتظر اعلام نمرات هستم.

شاید کرونا بهانه ای شد برای اینکه نشان دهد در این سرزمین برای افرادی چون من که دغدغه معیشت دارند، هیچ جایی در مراکز آموزشی نیست.

کرونا ۵ حرف ساده که از اسفند ۹۸ تا امروز تاثیر شگرفی بر زندگی و کوچک ترین روابط ما گذاشت.

درست به یادم دارم اولین باری که نام کرونا را شنیدم در شبکه اجتماعی اینستاگرام بود. تصاویری از ووهان چین. و ابراز تاسف و ناراحتی که برای مردم چین داشتیم.

مدت زمان زیادی نگذشت که با انتشار این خبر: «اولین مورد فرد مبتلا به کرونا در قم شناسایی شد». ترس به دلان افتاد و در کمتر از چند روز خیر تخلیه خوابگاه ها پیچید.

خیلی سریع وسایل کمی برداشتیم و راهی خانه و کاشانه شدیم اما همچنان امید داشتیم.

درست آخرین صحنه خروج از اتاق خوابگاه را یادم هست، مانند مادری که کودک خردسالش را می خواباند، عروسکم را خواباندم، ملافه را تا گردنش بالا کشیدم، عروسکم را بوسیدم و آهسته در گوشش گفتم: عزیزم، من ۴۰ روز دیگر بر میگردم.

۴۰ روز گذشت و اوضاع کرونا بدتر شد. آموزش مجازی شده بود و شرایط را برای ما بدتر می کرد.

مثلا برای درس جامعه شناسی شهری پروژه بررسی روزنامه اطلاعات از ابتدای سال ۹۸ تا آخر همان سال را باید انجام می دادم. باید از تک تک شماره ها داده هایی جمع آوری میشد و در اکسل ثبت میشد، بعد تحلیل و ...

این برای منی که در منطقه ای محروم زندگی می کردم شرایط را دشوار کرده بود، مثلا کافی نت ها سیستم اضافه نداشتند که بشود کار کرد، از طرفی نبود همین امکانات برای خود من اعصابم را خورد تر می کرد. چاره ای نبود جز اینکه زنگ بزنم به یکی دیگر از دوستانم و تمام داده ها را یکی یکی بخوانم و او وارد سیستم کند و در آخر با نمره ای در حد قبولی درس پاس شود غافل از اینکه آن استاد محترم و سیستم آموزشی کار آمد بدانند، دانشجو در چه شرایطی و چگونه توانسته آن پروژه را به اتمام برساند.

تابستان ۹۹ به پایان می رسید و من احساس کردم دیگر نمی توانم در خانه بمانم. باید حرکت می کردم و اوضاع را تغییر می دادم. با نیت کار کردن و ادامه درس دوباره راهی مشهد شدم. شرایط بسیار بدی پیش رو بود.

هزینه های بالا ، ساعت کاری زیاد و حقوق کم شرایط خوبی را به وجود نیاورده بود.

مشغله و تلاش برای تامین معیشت اجازه فعالیت های درسی را نمی داد.

اساتید ناراضی بودند و خب چاره ای هم نبود. باید





محمد جوادی / حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز

حسنعلی خان مستوفی و واکسن کرونا

کتاب خاطرات حسنعلی خان مستوفی نوشته مرحوم ابوالفضل زرویی نصرآباد روایتگر سلسله داستان های یک شخصیت خیالی به نام حسنعلی خان مستوفی در خلال وقایع مهم قرن معاصر است. در نوشته زیر تلاش شده است داستانی به سبک همان کتاب و با همان شخصیت در بستر اتفاقات مربوط به کرونا به تصویر کشیده شود.

دلگرمی و پشت و پناهی جز شما نداریم». بنده مجدداً به وسیله طیاره شخصی خود به ژنو رفتم و این بار هم استقبال گرمی از من صورت پذیرفت.

بعد از ظهر همان روز جناب دبیرکل بنده را به اتاق کار خودشان دعوت کردند. پشت میز نشسته بودند و پیاز خرد می کردند. مسئله را جویا شدم، گفتند که همسرشان از اعضای کادر درمان هستند و بسیار مشغول می باشند لذا پخت و پز خانه و نگهداری از بچه ها به عهده ایشان است. پیازها را به محل کار می آوردند و خرد می کردند برای طبخ شام.

بنده نیز کمک ایشان مشغول خرد کردن پیاز شدم، البته ایشان ابتدا نمی پذیرفت و می گفت که در شان شما نیست پیاز خرد کنید ناسلامتی شما جزء تأثیرگذارترین چهره های قرون بیست و بیست و یک هستید. اما بنده به اصرار حرف خود را به کرسی نشانده و مشغول خرد کردن پیاز شدم.

خرد کردن پیازها باعث شد قطرات اشک من روی میز بچکد. چکیدن همانا و فریاد های یافتم یافتم آقای تدروس ادهانوم همانا. مات و متحیر مانده بودم که ایشان چه چیز را یافته اند. دستیاران ایشان سریعاً به آنجا آمدند و از قطره اشک چشم من نمونه برداشتند. آقای دبیر کل برای بنده توضیح دادند که وقتی اشک هایم بر روی میز چکیده است، ایشان واکنش های عجیبی را بین قطره اشک و چربی های بر جا مانده روی میز مشاهده کرده اند. آقای ادهانوم فرمودند به احتمال بالای ۹۰ درصد این کشف راه گشای ساخت واکسن کرونا خواهد شد.

چند روز طول کشید تا جواب آزمایشات آمد. آنجا بود که آقای ادهانوم نزد من آمدند و گفتند حدس شان درست بوده و در اشک من خاصیتی هست که خوار مادر ویروس کووید را به عزایش می نشاند. از همان شب عملیات پیچیده موسوم به «HasanAliCov Ashk» آغاز شد. هر چه فیلم و سریال غمناک و گریه دار مانند گل های داوودی و سام و نرگس و ستایش ۱ بود را پخش می کردند و آهنگهای حزن آور می خواندند و هایلایت برنامه ماه غسل را نشان می دادند و من های های می گریستم، جناب ادهانوم بر روی شانه من می زدند و می گفتند: «جون تو فقط گریه کن». از آن حجم بالای اشک برای ساخت واکسن ها استفاده شد و امروز قاطعانه می گویم، تمام واکسن های موجود در دنیا که ضد ویروس کووید ۱۹ کاربرد دارند همان اشک های ریخته شده بنده در مقر سازمان جهانی بهداشت می باشند.

اینچنین بود که گریه های بنده باعث نجات بشریت شد. البته باید عرض کنم که بنده حتی یک قران هم در ازای این خدمت دریافت نکردم چه آن چیزی که باعث خوشحالی من میشود سلامتی انسان هاست.

آن اوایل که این ویروس حرامزاده پا به عرصه گیتی گذاشته بود بنده به دعوت آقای تدروس ادهانوم، دبیرکل سازمان جهانی بهداشت، به وسیله طیاره شخصی خود عازم دیار ژنو شدم.

به ژنو که رسیدم جناب آقای ادهانوم معاون اول خود را با ائیل شخصی خویش به استقبال این جانب فرستادند. در راه مکدر بودیم که چرا جناب دبیرکل خود به استقبال ما نیامده اند که معاون ایشان پاسخ داد: آقای ادهانوم بدین جهت نیامدند که میخواستند شخصا به مسئله آذین بستن شهر که به یمن ورود شما انجام می شود نظارت کنند.

به مقر سازمان که رسیدیم، دیدم عجب! چه مراسم باشکوهی برای ورود ما تدارک دیده اند. همه جا را چراغانی کرده بودند و مواد محترقه بود که منفجر می شد انگار که چارشنبه سوری گرفته باشند. چند عدد گاو و گوسفند هم آورده و یک یکشان را جلوی قدم ما قربانی نمودند، حتماً می دانید که سر بریدن حیوان از جمله رسومات ماست و اروپایی ها این کار را نمی کنند اما آن روز به خاطر بنده حاضر شدند قربانی کنند. جناب تدروس ادهانوم، خود اولین نفر به پیشواز بنده آمده و سعی داشتند دست اینجانب را ببوسند که مانع شدم. به ناچار جبهه ما را بوسیدند.

سر میز شام بود که دبیر کل سر در زیر گوش بنده فرود آورده و گفتند: «می خواهم چیزی را به شما بگویم که تا به حال برای هیچکس نگفته ایم». بنده مشتاق شدم که بدانم. فرمودند: «ویروس کرونا قطعاً از فاز اپیدمی گذر خواهد کرد و به فاز پاندمی خواهد رسید». آنجا بود که بنده بسیار ابراز نگرانی کرده و بر نابودی هر چه سریعتر این ویروس تأکید نمودم. از قضا فردای همان روز جناب رئیس جمهور روحانی فرمودند: «از شنبه همه چیز به روال عادی بر خواهد گشت». این بود که بنده خیال کردم عقل جناب ادهانوم پاره سنگ بر می دارد و کووید ۱۹ خیلی سریع تر از این حرفها گورش را گم خواهد کرد.

دو روز بعد بنده تصمیم به مراجعت به ایران گرفتم که جناب ادهانوم شخصاً نزد من آمدند و گفتند: «عزیز من مهربون تو که دیگه نیستی مهمون، زوده برای رفتن، یه ذره بیشتر بمون» لیکن بنده عرض کردم بسیار دوست داشتم بمانم اما کارهای عقب مانده فراوانند. لذا جناب تدروس از بنده قول گرفتند حتماً باز هم به ژنو مسافرت کنم و به دیدار ایشان بروم که خلاصی از دست این ویروس جز با مساعدت بنده ممکن نیست.

یک سال و چند ماه بعد که شنبه ها همینطور از پی هم می آمدند و می رفتند اما شنبه معهود فرا نمی رسید، زنگ تلفن اتاق کار بنده به صدا درآمد. جناب ادهانوم پشت خط بودند. فرمودند: «شما را به خدا جناب حسنعلی خان هر چه سریعتر نزد ما بیایید که سخت تحت فشاریم و

فندپارسی



محمد جوادی / حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز

اشباه‌نگیریم!

حدس این موضوع سخت نیست که واژه پت به معنی انتها و پایان بوده و اپت که معرب آن میشود ابد به معنی بی انتها و بی پایان است. ۳- مجیک (magic): این کلمه در زبان انگلیسی به معنای جادویی است. روحانیان زرتشتی را در ایران پیش از اسلام مگ یا مگوگ می نامیدند. این دسته از افراد دارای توانایی های جادویی بوده اند، در شاهنامه نیز مغان با اعمالی نظیر اخترشناسی، خواب‌گزاری و پیشگویی دیده می شوند از همین رو واژه مجیک (mag+ic) در انگلیسی برای بیان معنی جادویی بکار می‌رود. این واژه (مگ) در پی ورود به زبان یونانی به صورت magus درآمد و واژه مجوس صورت معرب آن است.

۲- کیک (Cake): برهان قاطع ذیل کلمه کاک آورده است: «تانی که از آرد خشکه پخته باشند یعنی خوب نپخته باشند و روغن و شیر در آن نکرده باشند». همان طور که می دانید شیرینی سنتی کرمانشاه را کاک می نامند. همچنین بختیاری ها نیز نوعی نان سنتی شیرین دارند که آن را کاکولی می نامند. خطه گیلان نیز نوعی شیرینی سنتی دارد که نامش کاکا است. بطور کلی بنظر می رسد ایرانیان برای نامیدن شیرینی های آردی خود از واژه کاک یا واژگانی شبیه به آن در نواحی مختلف استفاده می کرده اند. واژه کاک پس از ورود به زبان عربی به واژه کعک تبدیل شده است و پس از ورود به اروپا در انگلیسی به cake تبدیل شده است. ۱- چک (cheque): ایرانیان نخستین ملتی بودند که از اسناد و اوراق بهادار به جای پول نقد استفاده می کردند. واژه چک در دوران ساسانی برای نامیدن اسنادی استفاده می شد که جایگزین پول بودند. فردوسی نیز در شاهنامه چند بار از واژه چک به معنی سند و یا اوراق بهادار استفاده کرده است.

به قیصر سپارد همه یک به یک

از این پس نوشته فرستیم و چک

اینها تنها بخشی از دریای واژگانی است که از زبان شیرین پارسی به دیگر زبان ها راه یافته اند. واژه هایی که عموم مردم آنها را غیر فارسی می پندارند. توهّم نابودی زبان فارسی در اثر دخالت واژه های بیگانه از همین عدم آگاهی نسبت به واژه ها و زبان مان نشات می گیرد. اگر خوب بررسی کنیم میبینیم فارسی نه تنها زبان پذیرنده محض نبوده بلکه یک زبان بسیار تهاجمی و فعال است چنانکه در بالا دیدیم.

بله این تنها بخش خرد و کوچکی از ماجرا بود به قول عمان سامانی:

من از مفصل این نکته مجملی گفتم

تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل

یادم می آید در دوران دبیرستان یک دبیر زبان انگلیسی داشتیم که می گفت فقط یک کلمه از فارسی وارد انگلیسی شده است آن هم کلمه چادر است. اما تا دلتان بخواهد واژه از انگلیسی وارد فارسی شده است. این پندار بخش بزرگی از جامعه ماست. مردم ما گمان می برند چون انگلیسی زبان بین المللی است پس هر واژه مشترک یا دارای شباهت در زبانهای فارسی و انگلیسی، همین یکی دو قرن اخیر وارد زبان ما شده و انگلیسی است. در مورد رابطه فارسی و عربی هم همینطور است. خیلی ها گمان می کنند که چون عربی زبان دینی ما مسلمان هاست و واژه های متعددی از آن وارد فارسی شده پس فارسی یک زبان عربی شده است. هردوی این پندارها اشتباه هستند. بسیاری از کلمات یکسان و مشابه زبان های فارسی و انگلیسی ریشه و اصالت فارسی دارند می توان گفت واژه ها و ساختار هایی که از فارسی وارد انگلیسی شده اند آنقدر زیادند که شمارش آنها ممکن نیست البته کسی منکر دخالت بسیاری از واژگان انگلیسی در فارسی نمی شود اما کلمات دخیل انگلیسی معمولاً کلماتی هستند نو و جدید که در ارتباط با فناوری ها و علوم نوین می باشند. واژگان فارسی در زبان عربی هم بسیار زیادند به طوری که چند فرهنگ در مورد این واژگان تنظیم شده است. پس از ظهور اسلام داد و ستد بین این دو زبان به اوج خود رسید اما قبل از ظهور اسلام در شبه جزیره نیز کلمات فارسی زیادی وارد عربی شدند تا جایی که قرآن کریم هم از بسیاری واژگان فارسی استفاده کرده است. به همین بهانه می خواهیم چند واژه بسیار آشنا و ساده را که پندار نا فارسی بودن آنها را داریم مجمل و مختصر بررسی کنیم.

۵- ناو: حتما دیده اید که همه ارتش های دنیا روی شناورهای جنگی غول پیکرشان عبارت NAVY را نوشته اند. این عبارت معنای نیروی دریایی را می دهد. ناو در زبان فارسی به معنی کشتی های بزرگ اعم از جنگی و غیر جنگی است. البته امروزه ناو عموماً برای کشتی های جنگی به کار می رود.

۴- ابد و ازل: این دو کلمه، کلمات قرآنی محسوب می شوند یعنی در قرآن کریم به کار رفته اند همین باعث می شود که شائبه عربی بودن آن ها قوت بگیرد. اما این کلمات تماماً فارسی اند و معرب شده اند. پیشوند a و an در پارسی میانه برای منفی کردن کلمات به کار می رفته است. این دو پیشوند دقیقاً با همین کاربرد از پارسی وارد انگلیسی شده اند. یکی از معانی سر، شروع و آغاز است. و اسر یعنی بی آغاز. کلمه ازل معرب واژه اسر می باشد.



معرفی کتاب قلعه مالویل

رضا یزدان پناه / ارشد منابع انسانی استراتژیک



خواهید شد از نبوغ نویسنده. پنجاه صفحه اول داستان تلاش می کند تا شما با کلیت اتمسفر ذهنی شخصیت های این کتاب آشنا شوید و بعد از آن قصه اصلی شروع به پردازش خود می کند. این شاهکار با ضربات مداوم شما را دچار تلاشی می کند تا بفهید در حقیقت چه اتفاق دارد رخ میدهد. اتفاق که شاید، در روزی و در ساعتی، شما خودتان شاهدش باشید را می توانید به بهترین شکل ممکنه در این داستان تجربه کنید. در زمانی که ممکن است گمان کنید جز خودتان، دیگر کسی روی این سیاره زندگی نمی کند، به واقع بعد از این اتفاق قرار است چه روی دهد؟ معنای زمان و آینده چه می شود؟ تجربه گذشته بشر به چه کار می آید؟ برای شنیدن پاسخ این سوالات می توانید این کتاب را مطالعه کنید و البته از آن لذت ببرید.

قلعه مالویل، نوشته روبر مرل، یک شاهکار تمام عیار از این مرد فرانسوی به حساب می آید. او که خود به شکلی دو جنگ اول و دوم جهانی را از سر گذشته و به شکلی بخشی از زیست اجتماعی خود را از دل همین دو جنگ بیرون کشیده است، اینک خود در مقام نویسنده به استقبال جنگ جهانی سوم می رود. قلعه مالویل یکی از آثار درخشان است که کمتر دیده شده است. حکایت مردمانی در نقطه ای از کره زمین که به ناگاه در حال که در خوشی تمام در حال زندگی بودند دچار یک مشکل بزرگ می شوند. اتفاقی که به یک آن شما را چنان دچار پرسش های اساسی می کند که دیگر نمی توانید به سادگی کتاب را زمین گذارید. ضرباهنگ خوب داستان هر چه جلو تر می رود بهتر می شود تا جایی که این سمفونی به نقطه اوج خودش می رسد و شما حیرت زده

اخبار و اعلان های خانه نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه ثبت آرشیو نشریه

استاد و آئین نامه ها • دستورالعمل نشریات دانشگاهی

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

لیست نشریات فعال

در سایت سند • sanad.um.ac.ir

